

مشخصات جزوه:

نام دانشجو: حامد اصلانی (رشته حقوق)

درس: اصول فقه ۱

موضوع: جزوه جلسه ششم (مباحث امر و اوامر)

استاد: حسینی زندآبادی

تاریخ برگزاری: ۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵

سلام هم کلاسی عزیز این جزوه خلاصه ای از تدریس های استاد حسینی زندآبادی است و به هیچ عنوان جایگزین منبع اصلی کتابی که استاد معرفی کردند نمیشود. انشاالله که همگی با استفاده از این جزوه و تدریس های استاد در پایان ترم نمره عالی را کسب کنیم.

مطلب اول: تعریف امر

واژه «امر» از دو منظر لغوی و اصطلاحی تعریف می شود :

۱. تعریف لغوی

لفظ امر در لغت به دو معنای متفاوت به کار می رود که آن را به یک لفظ مشترک تبدیل کرده است :
به معنی کار، شیء و چیز: در این معنا جمع آن «امور» است و مشتقات دیگری ندارد .
مثال های استاد:

تعبیراتی مانند امور مملکتی، امور تحصیلی و امور زندگی .

ماده ۱۲۶۹ قانون مدنی: «اقرار به امری که عقلاً یا عادتاً ممکن نباشد... اثری ندارد»؛ در اینجا امر به معنی «کار یا عمل» است .

به معنی دستور، فرمان و طلب: در این معنا جمع آن «اوامر» است و دارای مشتقاتی همچون عامر (دستوردهنده) و مأمور (دستورگیرنده) می باشد.

مثال استاد: در قانون مجازات آمده است که اگر عملی «به امر عامر قانونی» باشد جرم نیست، که منظور همان «دستور» است .

نکته: اگر لفظ «امر» به تنهایی به کار رود، ممکن است هر دو معنا را افاده کند؛ مگر قرینه ای (مانند کلمه عامر) وجود داشته باشد که معنا را معین کند .

مثال استاد: وقتی کسی به پدرش می گوید: «امری ندارید؟»، هم می تواند به معنای «دستوری

دارید؟» باشد و هم به معنای «کاری با من دارید؟»

۲. تعریف اصطلاحی

در اصطلاح اصول فقه، امر یعنی: «طلب انجام یک کار از طرف شخصی که در جایگاه بالاتری قرار دارد (عالی) از شخصی که در رتبه پایین تر (دانی) است». مثال‌های استاد: دستورات رئیس به کارمند، کارفرما به کارگر و پدر به فرزند.

مطلب دوم: اهمیت و جایگاه امر

یادگیری مباحث امر برای دانشجویان حقوق ضرورت بالایی دارد: روابط روزمره: بسیاری از دستورات (مانند دستور کارفرما به کارگر) آثار حقوقی و مسئولیت‌آور دارند. ماهیت قوانین: قوانین (مانند قانون مدنی یا تجارت) در واقع دستوراتی هستند که قانون‌گذار برای نظم جامعه تدوین کرده است. احکام قضایی: آرای صادره از سوی قضات در دادگاه‌ها، به منزله دستوری خطاب به محکوم‌علیه یا دایره اجرای احکام است.

مطلب سوم: ارکان امر

هر «امر» دارای سه رکن اساسی است: عامر: دستوردهنده. مأمور: کسی که دستور خطاب به اوست. مأموربه: موضوع یا کاری که به انجام آن دستور داده شده است. مثال استاد: اگر کارفرما به کارگر بگوید «کارتن‌ها را به طبقه بالا ببر»، کارفرما عامر، کارگر مأمور و جابه‌جایی کارتن‌ها مأموربه است.

مطلب چهارم: انواع طلب

هر درخواستی لزوماً «امر» (به معنای حقیقی) نیست. طلب بر سه نوع است: طلب عالی از دانی (بالا به پایین): تنها این مورد «امر حقیقی» محسوب می‌شود. طلب مساوی از مساوی (هم‌رتبه): این نوع طلب را «خواهش»، «درخواست» یا «تمنا» می‌نامند. مثال استاد: درخواست دو همکلاسی یا دو خواهر و برادر از یکدیگر طلب دانی از عالی (پایین به بالا): به این نوع طلب «دعا» گفته می‌شود.

مثال استاد: دعاهایی که خطاب به خداوند با فعل امر می‌گوییم (مانند: خدایا مریضم را شفا بده، قرضم را ادا کن)

مطلب پنجم: شکل‌های مختلف امر
امر ممکن است به سه صورت در کلام ظاهر شود :
۱. فعل امر حاضر (مخاطب)
زمانی است که مأمور در مقابل عامر حضور دارد .
مثال‌های استاد: دستور کارفرما به کارگر: «این نامه را ببر»؛ یا آیات قرآن مانند «قُلْ» (بگو)، «أَقِمْوا الصَّلَاةَ» (نماز را بپا دارید) .
نکته : در قوانین موضوعه (مدنی، مجازات و...) هیچ نمونه‌ای از امر حاضر نداریم و قانون‌گذار مستقیماً مردم را مورد خطاب قرار نمی‌دهد .
۲. فعل امر غایب
دستور نسبت به شخصی که حضور فیزیکی ندارد صادر می‌شود. این مدل در قوانین بسیار رایج است .

مثال‌های استاد:
ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی: «طفل باید مطیع ابوین خود بوده...»
ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی: «قیم باید لااقل سالی یک مرتبه حساب تصدی خود را بدهد» .
اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد».
۳. جمله خبریه در مقام انشاء
گاهی جمله در ظاهر خبری است (از وقوع چیزی خبر می‌دهد)، اما در باطن حاوی یک دستور و طلب است .

مثال‌های استاد:
پدري به پسرش می‌گوید: «تو امروز ماشین را به کارواش می‌بری»؛ ظاهرش خبر از آینده است اما در واقع دستور است .
ماده ۲۲۴ قانون مدنی: «الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه»؛ یعنی باید حمل شود.
ماده ۲۹۵ قانون مجازات (سابق): «دیه پرداخت می‌شود»؛ یعنی باید پرداخت شود .
ماده ۲۴ آیین دادرسی کیفری: «ضابطین... نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی می‌رسانند»؛ یعنی موظف به این کار هستند.

مطلب ششم: دلالت امر بر وجوب یا مطلوبیت

سؤال این است که آیا وقتی امری صادر شد، انجام آن «واجب و لازم» است یا فقط «بہتر و مستحب» است؟

پاسخ: ظاهر امر دلالت بر «وجوب و لزوم» دارد، مگر اینکه قرینه و نشانه‌ای برخلاف آن وجود داشته باشد

مثال استاد برای قرینه (مطلوبیت): کارفرما به کارگر بگوید «فردا ساعت ۷ بیا، به نظرم بہتر می‌توانی به کارهایت برسی»؛ این جمله نشان می‌دهد که دستور الزامی نیست .

مثال برای وجوب (عدم قرینه): آیه ۲۸۲ سوره بقرہ (بزرگترین آیه قرآن) کہ می‌فرماید: «إذا تداینتم بدین... فکتبوه»؛ یعنی وقتی قرض می‌دهید، آن را بنویسید. چون قرینہ‌ای بر استحباب نیست، این امر دلالت بر لزوم دارد، ہرچند بسیاری از مردم از روی خجالت یا غفلت آن را انجام نمی‌دهند .

نکته : برای تحقق امر، صرف «رضایت درونی» مقام بالاتر کافی نیست؛ بلکه ارادہ عامر حتماً باید در قالب لفظ، نوشتہ یا اشارہ ابراز شود .